

مشروطیت "فرمان" بود یا نتیجه اراده ملت؟

مصطفی بادکوبه ای

خدا رحمت کند علی حاتمی را - که به حق سعدی سینمای ایران نامیده شد - او وقتی می خواست مظفرالدین شاه را به هنگام امضای فرمان مشروطیت نشان دهد، شاه را بگونه ای نمادین بر بستر بیماری خواباند تا به زبان تصویر اعلام کند که سلطنت استبدادی، آخرین روزهای عمر خود را می گذراند و شاه مجبور شده فرمان مشروطیت را بپذیرد و امضا کند.

ولی خدا بیشتر ارشاد فرماید مسوولان ارشاد را تادر تنظیم تقویم رسمی کشور، به آثار نوشته ها و حذف و اضافاتشان بیشتر ببینید و هر چه به نظر مبارکشان آمد، فوراً درج فرمایند.

چند روز پیش، به دلیلی در میان اوراق تقویم رسمی جستجو می کردم تا مناسبت های مهم را فریاد آورم و امیدوار بودم که بهانه ای برای رقص شادمانه قلم بجویم که متأسفانه در فاصله ۱۵ برگ سالنامه، به دو مطلب سؤال برانگیز و تأسف خیز برخوردیم! نخست حذف تعجب برانگیز خاطره ی مهم و سرنوشت ساز سی ام تیر و خیزش مردمی و خودجوش ملت ایران در برابر استبداد زمان در تیر ماه ۱۳۳۱ بود. خیزشی که موجب شد تا مردم ایران، رای خود را بر حاکمیت زمانه تحمیل کنند و نخست وزیری را که خود می خواستند، پس از استعفایش مجدداً به حکومت برسانند! این حادثه در تاریخ ایران از نقاط عطف ارزشمندی است که علاوه بر

زمانه، مردم را در برابر فرمان نخست وزیری قوام السلطنه به اعتراضی خشم آلود و شورشی تحسین برانگیز واداشتند، به گونه ای که احمد قوام، حتی قبل از معرفی کلینیه اش به مجلس، وادار به استعفا شد و شاه، برخلاف میل باطنی، مجدداً حکم نخست وزیری مصدق را امضا کرد، هر چند هرگز دوست نداشت که با وجود نخست وزیری مقتدر و محبوب، از شوکت و جلال شاهانه اش کاسته شود! این پیروزی و بازگرداندن دولت ملی نهایتاً به پیروزی

سالنامه از درج خاطره این حرکت عظیم - که اتفاقاً چهره ای چون آیت الله کاشانی هم در ایجاد آن نقش جالبی داشته است - خالی شده است و نمی دانیم چرا برخی از مسوولان چنین حرکتی را ضدارزش پنداشته و به محو آن از سینه تاریخ همت گماشته اند! اما سخن اصلی این نوشتار، پیرامون یادداشت، پی نوشت یا زیرنویسی است که در برگ تقویم روز چهاردهم مرداد با خطی ریز به چشم می خورد...

صدور فرمان مشروطیت!!!

این از واضحات تاریخ معاصر ایران و

افتخارات مردم سرافراز این خطه کهن است که نهضت ضد استبدادی ایران حدود نود سال پیش، به رهبری روشنفکران، مابین دوستان و آگاهان زمان آغاز شد و ملی نشیب و فرازهای خاص سرانجام سلطنت استبدادی قاجاریه را وادار به پذیرفتن اصل مشروطیت کرد. مردم معتقد بودند که دوران سلطنت یک فرد بزرگ ملت گذشته است، آنان حاکمان را بدهکاران به مردم می دانستند و می گفتند دولت و حاکمیت باید در خدمت مردم باشد و تداوم حکومت شان مشروط به رای مردم و خواست ایشان است. ظل الله اگر خود را سایه خدا می داند، باید بر رای عیال الله (مردم) تکیه کند و برای آنان احترام قایل باشد. باید نظام مملکت نظم و نسقی داشته باشد که مردم تعیین می کنند و نماد مردم تشکیل مجلس شورا است. البته پادشاه قاجار و شاهزاده های کوچک و بزرگ مفتخوار زمانه (به جز معدودی روشنفکر و آگاه) عموماً با این جنبش مخالف بودند و اگر پایمردی ملت رشید



مردم ایران خود مشروطه را گرفتند. نبردهای خونین تبریز در دوره استبداد صغیر گواه این واقعیت است. در مقابل آن فداکاری ها فقط این افتخار نامه نصیب آنها می شد. کسروی می نویسد: چند سال پس از این جنگ ها (جنگ های مجاهدین تبریز) روزی دیدم در بازار مردی با پاسبانی کشاکش می کرد و در میان سخنان چنین می گفت: 'یونجه خورده ایم و مشروطه را گرفته ایم که کسی به کسی زور نگوید'. اشاره کسروی به محاصره تبریز است که سبب قهقش شد و مردم برای زنده ماندن یونجه می خوردند.

نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت انجامید و برکی زرین بود که با خون فرزندان این سرزمین بر لوح تاریخ معاصر نقش بست. مردم ما، چهل سال پس از آن، یکی از خیلان های مهم پایتخت را به یاد آن واقعه زیبا، 'سی تیر' نام گذاشتند، اما متأسفانه چند سالی است که اوراق

بازگشت نخست وزیر، به بازگشت اعتماد به نفس ملی انجامید (۱)، همه می دانیم که دکتر محمد مصدق، عصر روز چهارشنبه ۲۵ تیر ماه، خود را مصلحتاً از جریانات روز کنار کشید و استعفا داد. اما طرفداران وی و دلسوزان ملک و ملت، به رهبری چهره های شناخته شده

خیزش تاریخی باتیغ تنگ نظران و خود خواهان پاره پاره نشده است! اینک آنچه موجب تعجب، بلکه تأسف است اینکه، تسلیم شدن شاه قاجار را در برابر خواست ملت نادیده بگیریم و به جای عنوان 'جشن مشروطیت' یا 'پیروزی ملت'، عنوان 'صدور فرمان مشروطیت' را بنگاریم! به راستی چرا مسئولان چنین کرده اند؟

صاحب این قلم، که خود از علاقه مندان به سالنامه ای غرور آفرین، شادی افزا و زیبا برای ملت ایران است و در شعر و نثر خود پیوسته تقویم عم را نکو هیده است، ساعت ها با خود اندیشید که علت و پیامد چنین 'خطبی' چیست؟ او، هر چند به نتیجه ای قطعی نرسید، اما خالی از لطف نمی بیند که شمارا در جریان فرض های خود قرار دهد، شاید از این میان فرض واقعی پیدا شود و مسئولان به اصلاح این اقدام همت گمارند:

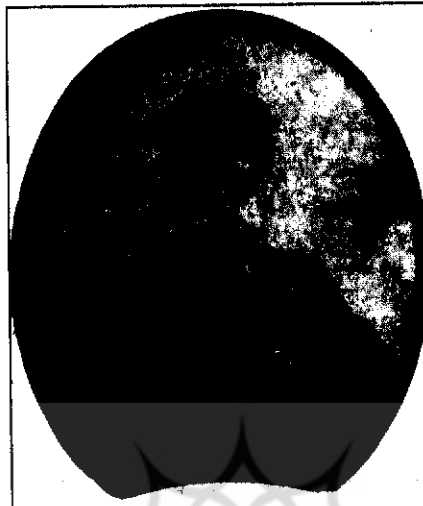
الف: ممکن است مسؤول یا مسئولان مربوطه، اصولاً به عظمت قدرت و کرامت مردمی توجه نداشته اند، اما چاره ای هم ندیده اند که به واقعه ۱۲ مرداد و مشروطیت باید اشاره کرد، در نتیجه برای کوچک نشان دادن این حرکت عظیم، به جای آنکه مشروطیت را به 'فاعل' نسبت دهند، به 'مفعول' نسبت داده اند و فرمانی را که از سرضعف و ناچاری امضا شده است عنوان یک روز تاریخی قرار داده اند!

ب: ممکن است مردم را باور داشته اند اما نهضت مشروطیت را یک نهضت مردمی نمی شناخته اند، زیرا برخی از نادانان، آن خیزش سرنوشت ساز و کام بلند ملت به سوی آزادی را حرکتی فرمایشی و حتی جنبشی وارداتی و نشأت گرفته از بیرون می دانسته اند، لذا ممکن است مسئولان انتساب به مردم را در شأن مشروطیت نمی دانسته اند! که در این صورت حساب اینان با تاریخ و کرامت الکتب است.

ج: ممکن است اصولاً از ذکر لفظ 'جشن' پرهیز داشته اند و علاقه ای ندارند که واژه ی جشن در برگ های تقویم جایی داشته باشد. مؤید این مطلب ذکر حوادث غمگین و حذف عناوین جشن های کهن ایران زمین از صفحات سال نامه فعلی است. فراموش نکنیم که نیاکان ما حداقل در هر ماه، روزی را که نام ماه با نام روز یکی می شد، جشن می گرفتند! ولی اینک نه جشن مهرگان، نه جشن سده و نه جشن... هیچ نامی در صفحات بسیاری از تقویم ها نیست!

د: ممکن است بعضی ها، نمودیالیه، درست بخواهند همان راهی را بروند که ساسانیان بعد از هخامنشیان، یا قاجاریه بعد از زندیه یا پهلوی پس از قاجاریه رفته اند، یعنی محور آثار سلسله های پیشین و

انحصار همه آثار و خوبی ها برای خویش!! که بی شک چنین روشی را باید یک خطب تاریخی دانست و بعید می نماید که مسئولان تنظیم تقویم، آگاهانه لفظ 'جشن' و 'پیروزی' را از کنار مشروطیت برداشته باشند تا به خوانندگان القا کنند که قبل از ماهیج خبری نبوده است.



زمانی که مظفرالدین شاه فرمان مشروطه را امضاء کرد در شرف موت نبود. این عکس که به اعتقاد مرحوم کسروی آخرین عکس مظفرالدین شاه هم هست، مدتی پس از امضای فرمان مشروطیت گرفته شده و قیامه شاه را سالم نشان می دهد.

ه: ممکن است خدای ناگردد، برخی ها با تکرار لفظ 'فرمان' می خواهند، شعله فردگرایی در ذهن خوانندگان و نسل جوان خاموش نشود... تا همیشه منتظر 'فرمان' باشند! ولو اینکه در قالب فرمان مشروطیت! البته به چنین طرز فکری باید گفت: آن الله

با توجه به تبلیغات مسموم دشمنان

ایران نباید تنها به حوادث مهم دو

دهه اخیر تکیه کنیم و بر مناسبت ها

و رویدادهایی که سازنده هویت

ملی ما هستند، خط بطلان بکشیم

لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم (۲) پدیده های اجتماعی نتیجه حرکت مردم است، نه خواست یک فرد! به گمان ما محض و طبعاً، نمونه جامع یک پدیده مهم اجتماعی است و ظاهراً دوران فردگرایی گذشته است. البته فرض های دیگری هم به ذهن صاحب این قلم رسید که

برای پیشگیری از اطاله کلام از ذکر آنها خودداری می شود، اما ناچاریم به ذکر دو سه نکته کوتاه در این ارتباط بپردازیم.

اولاً نگارنده به خوبی می داند که مشروطیت نهضتی بود که عملاً عقیم ماند زیرا قدرت طلبان، مقدسان متحجر، بی سوادای عمومی و دخالت های بیگانگان و دشمنان قسم خورده ملت ایران، این نهضت را به انحراف کشاندند، به گونه ای که می توان مشروطیت را شهید سیاسی خواند. شاه، واپسگرایان و سیاست بازان پیر بین المللی نگذاشتند این خیزش عمومی به نتیجه مثبت برسد و لذا بجز در دوران احمد شاه قاجار و چند سالی از دوران حکومت پهلوی دوم که نیروهای ملی نسبتاً نضجی گرفتند و مجلس شورای ملی به اقتداری نسبی رسید، ملت ما هرگز طعم شیرین مشروطه سلطنتی را نچشید!

ثانیاً، امروز که مسأله هجوم فرهنگی بیگانگان مطرح است، باید از حذف خاطرات غرور آفرین ملی خودداری کرد و نسل حاضر و آینده را ناگهان از فرهنگ پیشین و ذخایر مهم ملی خویش محروم ننمود. به گمان نگارنده حوادثی چون سی تیر، مشروطیت، قتل امیر کبیر، و... سنگرهای فرهنگی مادر طول تاریخ معاصرند که نباید به دست فراموشی سپرده شوند، مبادا که دشمنانی دوست نماید و دوستانی ناآگاه بخواهند موجبات قطع رابطه فرهنگی ما با گذشته افتخار آفرین ملی مان باشند! امروز ما به قهرمانان بزرگ ملی و مذهبی نیاز داریم، امروز که بخشی از ملت ما متأسفانه به مهاجرت کمرشکن از ایران توجه کرده، امروز که هجوم تبلیغات مسموم دشمنان ایران از هر زمانی واضح تر است... ما نباید تنها به حوادث مهم دو دهه اخیر تکیه کنیم و راه های شعله ور شدن آتش ملیت و هویت ایرانی مان را مسدود سازیم. و آخرین نکته اینکه، آگاهان در گوشه و کنار ایران عزیز فراوانند و نمی گذارند که برخی لغزش های ظاهراً کوچک بی آمدهای بزرگ خود را در اجتماع نشان دهند... اینان به وظیفه نصیحت گوئی خود عمل می کنند و اطمینان دارند که صاحبان گوش های شنوا در میان مسئولان، نیز کم نیستند.

پی نوشت ها:

۱- مرحوم، محمد علی - خواب آشفته نفت، جلد دوم ص ۵۵۶ به بعد.

۲- بتگرید به ده هاتر تحلیلی مستقل در باب مشروطیت، از آن جمله احمد کسروی، تاریخ مشروطیت و...

۳- سوره رعد، آیه ۱۱.